

پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی و نیازهای بنیادین روان‌شناختی

محمد بهشتیان^{۱*}، مرتضی روزبهانی^۲

چکیده:

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی اضطراب اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی و نیازهای بنیادی روان‌شناختی انجام گرفت.

روش: پژوهش حاضر به صورت توصیفی از نوع پیش‌بینی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران بود که ۲۰۰ نفر از دانشجویان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور (۱۹۸۷)، نیازهای بنیادین روان‌شناختی دسی و ریان (۲۰۰۰) و اضطراب اجتماعی کانر و همکاران (۲۰۰۰) پاسخ دادند. یافته‌ها به روش رگرسیون لجستیک تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد ابعاد سبک دلبستگی و نیازهای بنیادین در سطح ۰/۰۵ توان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی را دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد ابعاد سبک دلبستگی ایمن به صورت منفی و سبک دلبستگی ناایمن به صورت مثبت اضطراب اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین با افزایش نمره فرد در نیازهای بنیادین اضطراب اجتماعی کاهش و همراه با کاهش نمره وی در نیازهای بنیادین اضطراب اجتماعی افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: اضطراب اجتماعی، سبک‌های دلبستگی، نیازهای بنیادین روان‌شناختی.

^۱ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی، * نویسنده‌ی مسئول: beheshtiyani@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

Predict Social Anxiety Based on Attachment Type and Basic Psychological Needs

Beheshtian, M.; Roozbahani, M.

Abstract:

Introduction: The aim of this research was prediction of social anxiety based on attachment type and basic psychological needs

Method: This was a descriptive Research based on prediction. The population was all students of Tehran University and 200 students were selected by multistage cluster sampling. They answered to questionnaires of adult attachment (AAIN), basic psychological needs (BNG-S) and social anxiety (SPIN). The data were analysed by logistic regression.

Results: Regression analysis revealed that the dimensions of attachment type and basic needs can predict social anxiety.

Conclusion: The results showed that secure dimensions of attachment type will negatively predict social anxiety and insecure dimensions of attachment type will positively predict social anxiety. Also with the increase of individual's score in fundamental needs, the social anxiety will reduce and with the decrease of individual's score, the social anxiety will increase.

Keywords: social anxiety, attachment types, Basic Psychological Needs.

مقدمه

اختلال اضطرابی^۱، سومین نوع از معمول‌ترین اختلالات روانی بعد از اختلال افسردگی اساسی^۲ و اختلال وابستگی به الکل^۳ است (فهم و همکاران^۴، ۲۰۰۸). اختلال اضطراب اجتماعی^۵ با ترس ناتوان کننده پایدار و نامعقول از یک یا چند موقعیت اجتماعی یا عملکرد مشخص می‌شود (هافمن و لوح^۶، ۲۰۰۶). افراد با اختلال اضطراب اجتماعی در موقعیت‌های اجتماعی می‌ترسند که مورد بررسی و ارزیابی منفی دیگران قرار گیرند و ممکن است به صورت خجالت آور یا تحقیر آمیز رفتار کنند (سادوک^۷ و سادوک کاپلان، ۲۰۰۷). این افراد به خاطر ترس‌های خود از این موقعیت‌ها دوری کرده یا با ناراحتی زیاد آن را تحمل می‌کنند (باچر، مینکان و هولی، ۱۹۹۸).

¹ Anxiety disorder

² Major depressive disorder

³ Alcohol dependence disorder.

⁴ Fehm, Beesdo, Jacobi & Fiedler

⁵ Social Anxiety Disorder

⁶ Hofmann & Loh

⁷ Sadock,

مطالعات شیوع‌شناسی نشان می‌دهند که میزان شیوع اضطراب اجتماعی در نوجوانان و جوانان ۱۹ تا ۳۳ درصد (حسینی و همکاران ۱۳۹۲) و در جمعیت بزرگسال بین ۳ تا ۱۳ است (اناری و صالح پور، ۱۳۸۶). مبتلایان به این اختلال از آسیب‌های چشمگیری در کارهای روزانه، روابط اجتماعی و شغلی رنج می‌برند (ویتچن، سون تاگ، مولر و لیوویتز^۱، ۲۰۰۳، ریچ و هافمن^۲، ۲۰۰۷). تحقیقات علاوه بر عوامل مخاطره‌آمیزی چون ناملایمات کودکی و نوجوانی به مشکلات خانوادگی مانند فقدان روابط صمیمانه با والدین، تعارض با والدین اشاره دارند (هالجن، ۱۹۹۸). روند اضطراب اجتماعی معمولاً مزمن و پیوسته است و نسبت به اختلال‌های اضطرابی دیگر با دوران کودکی و خانوادگی بیشتر در ارتباط است (نل و ادل من^۳، ۲۰۰۳). به طور کلی این اختلال در کودکان به عملکرد تحصیلی ضعیف (لاست، هرسن، کازدین، اورواشل و پرین^۴، ۱۹۹۱) و مشکلات روانشناختی مانند افسردگی (ایندر بیتزن - نولان و والترز^۵، ۲۰۰۰) و سوء مصرف مواد (پاین، کوهن، گرلی، بروک و ما^۶، ۱۹۹۸) منجر می‌شود. افزون بر این نوجوانان مبتلا به اضطراب اجتماعی در خطر ناپختگی اجتماعی قرار دارند، اختلالی که درماندگی و اجتناب از روابط اجتماعی را در پی دارد (بیدل و ترنر^۷، ۱۹۹۸؛ ایندر بیتزن - نولان، والترز و باکوسکی^۸، ۱۹۹۷) و می‌تواند به نارسا کنش‌وری اجتماعی و روان‌شناختی و حتی بروز شخصیت اجتنابی در بزرگسالی منتهی شود (پاین و همکاران، ۱۹۹۸).

بررسی‌ها نشان داده‌اند که افرادی که کودکی خود را در محیط‌های نامساعد خانوادگی تجربه کرده‌اند، دگرگونی‌های رفتاری و ناب‌هنجاری اجتماعی نشان می‌دهند (حسینیان، زهرایی و خدابخشی، ۱۳۸۹). در واقع خانواده چهار چوبی برای تعامل‌های اجتماعی خارج از خانه فراهم می‌کند و افرادی که کنش‌وری خانواده آن‌ها مناسب است، سازش یافتگی بهتری با اجتماع دارند (جانسون، لاول و ماهونی^۹، ۲۰۰۱). در راستای آن‌چه عنوان شد می‌توان بیان کرد که فضای عاطفی خانواده نقش تعیین‌کننده در بروز اختلالات روانی بالاحص اضطراب اجتماعی دارد. از سوی دیگر سبک‌های دلبستگی در الگوهای ارتباطی سالم، سلامت روان‌شناختی و آسیب‌شناسی روانی نقش محوری دارند. الگوی دلبستگی که اولین بار توسط بالبی در زمینه رشد کودکان بکار رفت و توسط آبنورث قابل بهره‌برداری شد، توسط هازن و شیور در سال ۱۹۸۷ در سه گروه دلبستگی ایمن، دوسوگرا و اجتنابی و برای روابط دلبستگی بزرگسالان دنبال شد (دیتاماسو، برانن - مک

¹ Wittchen, Fuetsch, Sonntag, Müller & Liebowitz

² Reich, Hofmann

³ Neal & Edelmann

⁴ Last, Hersen, Kazdin, Orvaschel & Perrin

⁵ Inderbitzen-Nolan & Walters

⁶ Pine, Cohen, Gurley, Brook, & Ma

⁷ Beidel & Turner

⁸ Bukowski

⁹ Johnson, Lavole & Mahoney

نولتی، راس و برگس^۱، ۲۰۰۳). به اعتقاد بالبی (۱۹۶۹) روابط اولیه دوران کودکی سبک‌های دلبستگی افراد را شکل می‌دهد. دلبستگی به عنوان تکیه‌گاه امن باعث می‌شود کودک با جرات کامل به جستجو و اکتشاف محیط بپردازد (بروماریو و کرنز^۲، ۲۰۰۸). به نظر می‌رسد که تمام حالت‌های مبتنی بر اختلال‌های اضطرابی با دلبستگی ناایمن مرتبط هستند (حسنى و همکاران، ۱۳۹۲). در این راستا پاپینب، روگمن و اندرسون^۳ (۱۹۹۱) نشان دادند نوجوانان با دلبستگی ایمن اضطراب اجتماعی کمتری را گزارش می‌دهند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد دلبستگی ایمن به والدین با سطوح پایین‌تر اضطراب در کودکان و نوجوانان و جوانان مرتبط است (حسنى و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی یکی از عناصر تعیین کننده اضطراب اجتماعی‌اند.

بر اساس نظر بالبی (۱۹۶۹) رفتار مراقبان در حمایت و مراقبت از کودکان در ادراک کودکان نسبت به خود و جهان اطراف تاثیر می‌گذارد، زمانی که والدین حمایتگر^۴ و قابل اعتماد هستند، دلبستگی ایمن در کودکان شکل می‌گیرد اما اگر والدین طرد کننده باشند، دلبستگی ناایمن شکل می‌گیرد. این تجارب نخستین روان‌بنه‌هایی را شکل می‌دهند که انتظار و رفتار فرد را در روابط صمیمانه بعدی تحت تاثیر قرار می‌دهند. به عبارت دیگر در نظریه دلبستگی فرض بر این است که روان‌بنه‌های شناختی تنظیم رفتار از طریق تعامل‌های مکرر بین مراقبان و کودکان حاصل می‌شود (گودال و همکاران^۵، ۲۰۱۲). افزون بر این در این نظریه تاکید بر آن است که سبک دلبستگی میزان آسیب پذیری در برابر آسیب‌های روانی را تأیید می‌کند.

دلبستگی کودکان به مراقبان اولیه بر بهزیستی روان‌شناختی نیز تاثیر می‌گذارد. به طور خاص کودکان با دلبستگی ناایمن نسبت به خود و دیگران احساس منفی دارند و این امر آن‌ها را مستعد سوگیری‌های اسنادی می‌کند که برانگیختنی عاطفی منفی را افزایش می‌دهد، افراد با سوگیری‌های اسنادی منفی احتمالاً ارتباط با دیگران را منفی‌تر ادراک کرده و ممکن است اضطراب زیادی را در موقعیت‌های اجتماعی تجربه کنند (پاراد و دیگران^۶، ۲۰۰۲). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت جوانان دارای دلبستگی ایمن اضطراب اجتماعی کمتری را گزارش خواهند کرد و در مقابل افراد دارای دلبستگی ناایمن از آنجا که خود را لایق محبت نمی‌دانند نگران طرد شدن در روابط بین‌فردی هستند و در نتیجه اضطراب اجتماعی بیشتری را گزارش خواهند کرد.

¹ Ditommaso, Brannen- MC Nulty, Rass Burgess

² Brumariu & kerns

³ Papini, Roggman & Anderson

⁴ Supportive parents

⁵ Schema

⁶ Goodall, Trejnowska & Darling

⁷ Parade, Leerkes & Blankson

چگونگی ارتباط والدین با فرزندان نقش اساسی در برآورده شدن نیازهای آنان دارد. به اعتقاد لاکاریا و همکاران^۱، (۲۰۰۲) والدینی که محیطی امن و همراه با صمیمیت برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، ارضای نیازهای روان‌شناختی آن‌ها را تسهیل خواهند نمود و از این طریق به بهزیستی و سلامت روانی آن‌ها کمک می‌نمایند.

خود تعیین‌کنندگی یکی از ظرفیت‌های جهان شمول است و مبنای اعمال و رفتارهای ارادی محسوب می‌شود. خود تعیین‌کنندگی اصالتاً وقتی محقق می‌شود که شخص احساس کند می‌تواند رفتارهایش را خودش انتخاب کند و خودش تعیین‌کننده اعمال و هدف‌هایش باشد (دسی و رایان^۲، ۱۹۸۵، ۲۰۰۰). طبق نظریه خود تعیین‌گری^۳ افراد تمایل ذاتی برای رشد و یکپارچگی دارند. تمایل به کشف ارتجالی محیط، کنجکاوی و دنبال کردن فعالیت‌های ذاتا چالش‌انگیز و رضایت بخش، نمونه‌هایی از این تمایل هستند (دسی و رایان^۴، ۱۹۸۵، ۲۰۰۰).

بر اساس نظریه خود تعیین‌گری میل به خود آغازگری در تنظیم اعمال شخصی و اینکه فرد احساس کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است، نیاز خود پیروی^۵ نامیده می‌شود (دیچارمس^۶، ۱۹۸۶؛ دسی و رایان، ۱۹۸۵). این احساس در مقابل احساس تحت کنترل و اجبار بودن برای اعمال شخصی قرار می‌گیرد. احساس شایستگی^۷ در مواجهه و تعامل با محیط، قابلیت اجرای وظایف مختلف و توان خلق آثار مطلوب و ممانعت از آثار نامطلوب نیاز شایستگی نامیده می‌شود (رایان و دسی، ۲۰۰۲؛ وایت^۸، ۱۹۵۹، هارتر^۹، ۱۹۸۷).

احساس بر خورداری از روابط اجتماعی رضایت بخش و حمایتگر علاقمندی و تعلق داشتن به دیگران، نیاز تعلق^{۱۰} نامیده می‌شود (بامیستر و لیری^{۱۱}، ۱۹۹۵؛ رایان و دسی ۲۰۰۲، هارلو^{۱۲}، ۱۹۸۵). نظریه‌پردازان خودتعیین‌گر (دسی و رایان، ۲۰۰۲) این نیازها را ذاتی و روان‌شناختی می‌دانند. مطالعات گسترده در زمینه‌های مختلف تحصیلی شغلی و درمانی نشان داده‌اند که ارضای نیازهای بنیادین پیامدهای مثبت متعدد مثل بهزیستی، عملکرد و پشتکار دارد و از پیامدهای منفی مثل ناخوش احوالی و ترک درمان جلوگیری می‌کند (شلدون، الیوت، کیم و کاسر^{۱۳}، ۲۰۰۱).

¹ LaGuardia, Ryan, Couchman & Deci

² Deci & Ryan

³ Self-determination

⁴ Deci & Ryan

⁵ Autonomy

⁶ DeCharms

⁷ competency

⁸ White

⁹ Harte

¹⁰ relatedness

¹¹ Baumeister & Leary

¹² Harlow

¹³ Sheldon, Elliot, Kim, Kasser

با توجه به ارزش تبیینی مفهوم نیازهای بنیادین در چارچوب نظریه‌های روان‌شناختی و نقش تعیین‌کننده آن‌ها در رشد و تحول بهنجار و آسیب‌شناسی روانی و همبستگی آن با دلبستگی موضوع سنجش این نیازها اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. محقق در پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال بود که ابعاد دلبستگی چه میزان توان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی دارند؟ همچنین ابعاد ارضای نیازهای روان‌شناختی چقدر توان پیش‌بینی اضطراب اجتماعی دارند؟

روش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع پیش‌بین می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه‌های تهران در نیمسال اول ۹۶-۹۵ بودند، که ۲۰۰ نفر به صورت نمونه خوشه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب شدند. افراد انتخاب شده سه پرسش‌نامه اضطراب اجتماعی، سبک دلبستگی بزرگسالان و نیازهای بنیادین را تکمیل کردند به این صورت که هر سه پرسش‌نامه به صورت همزمان در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت و پس از تکمیل داده‌ها استخراج گردید. در تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل رگرسیون استفاده شد.

ابزار

پرسش‌نامه هراس اجتماعی^۱: نخستین بار توسط کانور و همکاران^۲ (۲۰۰۰) به منظور ارزیابی هراس اجتماعی تهیه گردید. تلویحات بالینی این پرسش‌نامه بیانگر آن است که در سه حیطه علائم بالینی ترس، اجتناب و علائم فیزیولوژیکی اطلاعاتی را ارائه می‌کند و داری مزیت‌های عملی کوتاه بودن، سادگی و آسانی نمره‌گذاری می‌باشد. این ابزار با دارا بودن ویژگی‌های با ثبات روان‌سنجی، می‌تواند به عنوان یک ابزار معتبر برای سنجش شدت علائم هراس اجتماعی به کار می‌رود. این پرسش‌نامه از اعتبار و روایی بالایی برخوردار است. اعتبار آن با روش بازآزمایی در گروه‌هایی با تشخیص اختلال هراس اجتماعی برابر با ۰/۷۸ تا ۰/۸۹ بوده و ضریب همسانی درونی آن (ضریب آلفا) در یک گروه بهنجار ۰/۹۴ گزارش شده است و برای مقیاس فرعی ترس ۰/۸۹، اجتناب ۰/۹۱ و ناراحتی فیزیولوژیکی ۰/۸۰ گزارش شده است (همان منبع). روایی سازه در مقایسه نتایج این آزمون در دو گروه از آزمودنی‌های با تشخیص روانپزشکی بررسی شد که تفاوت معناداری با هم نشان دادند که این خود حاکی از اعتبار سازه بالاست. این آزمون را حسنوند عموزاده، شعیری و باقری (۱۳۸۹) برای اولین بار در ایران ترجمه و در نمونه غیربالینی اعتبار و روایی آن را به دست آوردند. نمره ضریب آلفای پرسش‌نامه در نیمه اول آزمون ۰/۸۲ در نیمه دوم ۰/۷۶ و همبستگی آن ۰/۸۴ و ضریب همبستگی اسپیرمن براون را ۰/۹۲ محاسبه شد. همچنین نمره آلفای کرونباخ کل

¹ Social Phobia Inventory

² Conoor, Davidson, Churchill, Weisler

آزمودنی‌ها در زیر مقیاس‌های آزمون اجتناب ۰/۷۵، ترس ۰/۷۴ و بازداری ۰/۷۵ رضایت‌بخش گزارش شده است (همان منبع). این پرسش‌نامه دارای ۱۷ ماده است که ۳ مقیاس فرعی ترس (۶ ماده)، اجتناب (۷ ماده) و ناراحتی فیزیولوژیکی (۴ ماده) است و در آن هر ماده بر اساس مقیاس لیکرت پنج ماده‌ای (۰- به هیچ وجه، ۱- کم، ۲- تا اندازه‌ای، ۳- زیاد، ۴- خیلی زیاد) درجه‌بندی می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده برای تفسیر نمرات؛ نقطه برش ۴۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۰ درصد و نقطه برش ۵۰ با کارایی دقت تشخیص ۸۹ درصد افراد مبتلا با هراس اجتماعی را از افراد غیر مبتلا متمایز می‌کند (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۸۸).

مقیاس دلبستگی بزرگسال^۱: این سیاهه که با استفاده از ماده‌های آزمون دلبستگی هازن و شیور^۲ ۱۹۸۷ ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴). یک آزمون ۱۵ ماده‌ای است و سه سبک دلبستگی ایمن^۳، اجتنابی^۴ و دوسوگرا^۵ را در مقیاس پنج درجه‌ای طیف لیکرت از خیلی کم-۱ تا خیلی زیاد-۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۵ و ۲۵ است. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل نمونه به ترتیب برابر با ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۵، ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶ گزارش شده است که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است (قنبری هاشم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰). در تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام گرفت، پایایی بازآزمایی به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر با ۰/۷۶، ۰/۵۲ و ۰/۳۷ و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر با ۰/۷۹ به دست آمد.

مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (BNG-S): این مقیاس توسط گاردیا، دسی و ریان^۶ (۲۰۰۰) ساخته شد که ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در سطح عمومی اندازه‌گیری می‌کند. مقیاس مذکور شامل ۲۱ ماده است که بر اساس طیف هفت درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده است. ضرایب پایایی حاصل از اجرای آن روی مادر، پدر، شریک رمانتیک و دوستان و آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲، ۰/۹۲ گزارش شده است (گاردیا و همکاران، ۲۰۰۰). این مقیاس توسط بشارت و رنجبر کلاگری (۱۳۹۲) ترجمه و در مورد نمونه‌های دانشجویی ایران هنجاریابی شده و از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است، به طوری که آلفای آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ مورد تأیید قرار گرفت (بشارت، رنجبر کلاگری، ۱۳۹۲).

¹ Adult Attachment Inventory

² Hazan, & Shaver

³ Secure

⁴ Avoidant

⁵ Ambivalent

⁶ Guardia, Deci & Ryan

یافته‌ها

ابتدا خصوصیات توصیفی متغیرهای پژوهش بررسی شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مؤلفه‌های توصیفی نمرات نیازهای بنیادین روان‌شناختی و سبک دلبستگی

متغیرهای پژوهش	ابعاد متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
شایستگی		۲۸/۵۸	۸/۱۳
نیازهای بنیادین	خودمختاری	۲۵/۴۷	۷/۱۴
	تعلق	۲۷/۳۲	۷/۷۳
	ایمن	۱۴/۶۹	۴/۲۶
سبک دلبستگی	ناایمن دوسوگرا	۱۶/۲۹	۲/۵۳
	ناایمن اجتنابی	۱۷/۹۲	۴/۳۴

سپس همبستگی بین متغیرها بررسی شد که نتایج آن در جدول ۲ منعکس شده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی نمرات ابعاد نیازهای بنیادین و دلبستگی

متغیر پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶
خودمختاری	-					
شایستگی	۰/۶۸۳	-				
تعلق	۰/۵۵۳	۰/۶۶۰	-			
دل‌بستگی ایمن	۰/۴۴۳	۰/۴۶۳	۰/۲۶۵	-		
دل‌بستگی دوسوگرا	۰/۱۱۲	۰/۰۶۲	۰/۰۱۱	۰/۳۱۶	-	
دل‌بستگی اجتنابی	۰/۱۲۲	۰/۱۲۲	۰/۲۱۷	۰/۱۲۲	۲۱۰	-

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی هیچ‌کدام از متغیرهای پیش‌بین بالاتر از ۰/۸۵ نیست، بنابراین می‌توان گفت مفروضه تخطی از هم‌خطی بودن اتفاق نیفتاده است. این یافته زمینه را برای آزمون فرضیه‌های پژوهش فراهم می‌کند. در ادامه از روش تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شد که نشان داد که مدل مبتنی بر سه متغیر پیش‌بین (دل‌بستگی ایمن، ناایمن و دوسوگرا) در مقایسه با مدل منحصر به مقدار ثابت به صورت معنادار به پیش‌بینی بهتر منجر می‌شود.

این یافته بیانگر آن است که ابعاد دل بستگی ۲۵/۲ درصد از واریانس احتمال مضطرب بودن یا نبودن را تبیین می‌کند و نرخ موفقیت پیش‌بینی کلی ۷۱/۱ و نرخ پیش‌بینی افراد مضطرب ۷۲ است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد مدل مبتنی بر سه متغیر پیش‌بین (سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا) در مقایسه با مدل منحصر به مقدار ثابت به صورت معنادار به پیش‌بینی بهتر منجر می‌شود ($F(3, N=200)=31/279, P< /001$) شبیه R^2 ناگل کوکراک مدل برابر ۰/۲۵۲ بود. این یافته بیانگر آن است که ابعاد دل‌بستگی ۲۵/۲ درصد از احتمال مضطرب بودن یا نبودن را تبیین می‌کند. جدول ۳ نتایج رگرسیون لجستیک برای پیش‌بینی مضطرب بودن با استفاده از ابعاد دل‌بستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- نمرات رگرسیون لجستیک پیش‌بینی اضطراب بر اساس ابعاد دل‌بستگی

گام	متغیر وارد شده	B	wald	معناداری	EXP B
۱	دل‌بستگی ایمن	۰/-۱۴۳	۶/۵۶	۰/۰۱	۰/۸۶۷
	ناایمن	۰/۰۹۵	۲/۶۷	۰/۱۲۲	۱/۰۰۱
	دوسوگرا	۰/۱۶۹	۱۴/۰۰۵	۰/۰۰۱	۱/۱۸۴
	ثابت	-۱/۹۸۷	۱/۷۵۵	۰/۱۸۵	۰/۱۳۷

همچنان که در جدول ۳ مشاهده می‌شود دو بعد سبک ناایمن اجتنابی و دوسوگرا در پیش‌بینی احتمال مضطرب بودن افراد قوی‌تر از سبک دل‌بستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای احتمال مضطرب بودن است. دل‌بستگی اجتنابی پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری نسبت به آن دو سبک است. به طوری که با کنترل ابعاد دیگر ابعاد دل‌بستگی یک واحد افزایش در نمره سبک دل‌بستگی اجتنابی احتمال ابتلا به اضطراب اجتماعی ۱/۸۴ برابر افزایش می‌یابد. همچنین بر طبق نتایج جدول ۳ با کنترل بعد اجتنابی و دوسوگرا به ازای یک واحد در افزایش نمره سبک دل‌بستگی ایمن، احتمال مضطرب بودن فرد ۰/۸۶۷ کاهش می‌یابد. در کل نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک می‌توان بیان کرد بعد ایمن به صورت منفی و بعد ناایمن به صورت مثبت احتمال مضطرب بودن افراد را در سطح ۰/۰۰۱ پیش‌بینی می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مدل مبتنی بر سه متغیر پیش‌بین (شایستگی، خودمختاری، رابطه) در مقایسه با مدل منحصر به مقدار ثابت به صورت معنادار به پیش‌بینی بهتر منجر می‌شود. این یافته بیانگر آن است که ابعاد نیازهای روان‌شناختی ۴۲/۲ درصد از اضطراب اجتماعی را تبیین می‌کند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد مدل مبتنی بر سه متغیر پیش‌بین (شایستگی، تعلق، خودمختاری) در مقایسه با مدل منحصر به مقدار ثابت به صورت معنادار به پیش‌بینی بهتر منجر می‌شود. این یافته بیانگر آن است که ابعاد دل‌بستگی ۴۲/۲ درصد از احتمال مضطرب بودن یا

نبودن را تبیین می‌کند. جدول ۴ نتایج رگرسیون لجستیک برای پیش‌بینی ابتلا به اضطراب اجتماعی با استفاده از ابعاد نیاز روان‌شناختی نشان می‌دهد.

جدول ۴- نمرات رگرسیون لجستیک پیش‌بینی اضطراب بر اساس ابعاد نیاز روان‌شناختی

گام	متغیر واردشده	B	والد	معناداری	B
۱	شایستگی	۰/۱۰۱	۸/۴۲	۰/۰۰۴	٪۹۰۴
	تعلق	۰/۱۰۲	۴/۲۴	٪۰۳۹	۱/۱۰۷
	خودمختاری	۰/۱۷۵	۲۲/۳۰۶	٪۰۰۱	٪۸۳۱
	ثابت	۶/۳۳	۲۱/۹۸	٪۰۰۱	۵۶۰/۸۸

همچنان که در جدول ۴ مشاهده می‌شود هر سه بعد نیازهای روان‌شناختی به لحاظ آماری پیش‌بینی کننده معناداری برای احتمال ابتلا به مضطرب بودن هستند. نقش نیاز به شایستگی در پیش‌بینی احتمال به اضطراب اجتماعی قوی‌تر از دو نیاز دیگر است، به طوری که با کنترل دیگر ابعاد نیازهای روان‌شناختی یک واحد کاهش در نمره شایستگی احتمال مضطرب بودن ۱/۱۰۷ برابر بیشتر می‌شود، همچنین با کنترل اثر دو بعد تعلق و خودمختاری به ازای هر یک واحد افزایش در نمره شایستگی احتمال مضطرب بودن ۰/۹۰۴ کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که بین سبک‌های دل‌بستگی و اضطراب اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد و بین سبک دل‌بستگی ناایمن با اضطراب اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد؛ درحالی که این ارتباط برای دل‌بستگی ایمن منفی است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های میکولینسر و شیور^۱ (۲۰۰۴)، انگ و همکاران^۲ (۲۰۰۱)، اروزکان^۳ (۲۰۰۹)، پاراد و دیگران (۲۰۱۰) و همچنین با یافته‌های کاش، تریولت و انیس^۴ (۲۰۰۴)، کاشدن، الهای و بری^۵ (۲۰۰۸) و میشل و دوماس^۶ (۲۰۰۴) نیز همسو است. در این راستا اعتقاد بر آن است که افراد دارای اضطراب اجتماعی اغلب دشواری‌هایی را در هنگام تلاش برای برقراری روابط بین‌فردی نزدیک تجربه می‌کنند. نظریه دل‌بستگی چهارچوبی برای مفهوم‌سازی، سبب‌شناسی و تداوم این اختلال از طریق بررسی نظام‌های شناختی، عاطفی درگیر در اضطراب

¹ Mikulincer & Shaver

² Eng, Heimberg, Schneier & Liebowitz

³ Erozkhan

⁴ Cash, Thériault & Annis

⁵ Kashdan, Elhai & Breen

⁶ Mitchell & Doumas

اجتماعی فراهم می‌آورد (اروزکان ۲۰۰۰، ۲۰۰۹). در واقع به اعتقاد بالبی (۱۹۷۳)، دل‌بستگی به‌عنوان پایگاهی ایمن برای اکتشاف محسوب می‌شود که کودک می‌تواند خود را آزاد احساس کرده و مستقلاً به اکتشاف محیط اقدام کند. چنین کودکانی خودمحور، مشتاق یادگیری و کنجکاو بوده و از چالش‌ها فرار نمی‌کنند و همین امر باعث می‌شود که در مراحل بعدی رشد به شایستگی‌های شناختی بیشتری دست یافته و در مواجهه با مسائل، رویکردی فعال داشته باشند (میکولینر و شیور، ۲۰۰۳).

همچنین نتایج نشان می‌دهد اضطراب اجتماعی به‌طور مثبت با سبک‌های دل‌بستگی نایمن همبسته است و در مقابل به‌طور منفی با سبک دل‌بستگی ایمن مرتبط است. افراد داری دل‌بستگی نایمن معمولاً گوش‌به‌زنگ هستند، نسبت به فقدان یا تهدید بسیار حساس‌اند و ممکن است که به دنبال اطمینان باشند. افزون بر آن افراد دارای خصوصیات اضطراب اجتماعی بالا با احتمال بیشتری نسبت به وقوع رویدادهای منفی اشتغال ذهنی دارند و فرض می‌کنند دیگران دید انتقادی نسبت به آن‌ها دارند و آن‌ها را به‌طور منفی ارزیابی می‌کنند (لیری کووالسکی و کمپبل^۱، ۱۹۸۹). در صورتی که در مواجهه با شرایط تهدیدآمیز و استرس‌زا، پاسخ فرد از سیستم دل‌بستگی نایمن باشد، در سبک دل‌بستگی مضطرب، فرد را وادار به به‌کارگیری دانش اخباری و رویه‌ای بیش‌ازحد فعالانه از قبیل تلاش برای فراخواندن کمک از اطرافیان از نوع پاسخ‌های کنترل‌کننده و آماده (دیویس و همکاران^۲، ۲۰۰۳)، وابستگی شدید به اطرافیان به‌عنوان منبع حمایتی (شیور و هازان، ۱۹۹۳) و در سبک دل‌بستگی اجتنابی با به‌کارگیری فقدان جستجوی نزدیکی و ایجاد ارتباط با دیگران به کاهش اندوه و غم منجر می‌شود (کسیدی و کوباک^۳، ۱۹۸۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که سبک‌های دل‌بستگی عامل مهمی هستند که بر روابط بین‌فردی تأثیر می‌گذراند و سطح اضطراب اجتماعی افراد را تعیین می‌کنند. مطابق رویکرد کردار شناسانه بالبی (۱۹۷۳)، تفاوت‌های فردی در به‌کارگیری سیستم دل‌بستگی تأثیر بسزایی در انواع مختلف کارکردهای روانی در محل مختلف زندگی به همراه دارد. این احساس که فرد دوست داشته می‌شود و مورد عشق است و حمایت افراد بااهمیت را دارد به‌طور طبیعی به بازنمایی ذهنی مثبت از خود و دیگران منجر می‌شود. همچنین احساس پایداری از عزت‌نفس و خودکارآمدی را نیز به همراه دارد (شیور هازان، ۱۹۹۳؛ میکولینر و شیور، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌ها حاکی از اثر سبک دل‌بستگی بر احساس صلاحیت و شایستگی فرزندان است (لیبل^۴، ۲۰۰۷). کودکانی که مراقبت و حساسیت مادرانه بیشتری را تجربه می‌کنند از شایستگی اجتماعی، شایستگی علمی و عزت‌نفس بیشتری برخوردارند (نوم، دکوویک و میوس^۵، ۲۰۰۲). همچنین این کودکان مستقلاً در محیط به کنکاش پرداخته (بلانچارد، آمیوت، پریولت، والرند و پروونچر^۶، ۲۰۰۹) و از

¹ Leary, Kowalski & Campbell

² Davis, Shaver & Vernon

³ Cassidy & Kobak

⁴ Laible

⁵ Noom, Decovic, Meeus

⁶ Blanchard, Amiot, Perreault, Vallerand, Provencher

برقراری ارتباط با دیگران پرهیز نمی‌کنند. در تبیین این مباحث می‌توان گفت با توجه به کارکرد دلبستگی که می‌تواند حفظ مجاورت در موقعیت‌های استرس‌آور باشد، افرادی با سبک‌های دلبستگی ناایمن و اضطرابی نمی‌توانند تعامل مناسبی را با اطرافیان ایجاد کنند و به دنبال سبک مقابله‌ای استفاده‌شده، در تعاملشان با دیگران دچار مشکل شده و اضطراب‌های گسترده‌تری را احساس خواهند کرد. برخلاف آن افرادی با سبک‌های دلبستگی ایمن در تعامل و صمیمیت با دیگران مشکلی ندارند و تعامل سازنده برقرار می‌کنند.

هم‌چنین یافته‌ها حاکی از این است که نیازهای بنیادین روان‌شناختی به‌طور مثبت در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی نقش دارند و نیاز به شایستگی و تعلق نقش بیشتری دارند. این یافته‌ها با نتایج پژوهشی دسی، رایان، گنیه، لئون، یوسانو و کورنازوا (۲۰۰۱) همسو است. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، بافت اجتماعی بر میزان برآورده شدن نیاز به خودمختاری، شایستگی و ارتباط تأثیر می‌گذارد. نظریه خودتعیین‌گری بیان می‌کند که محیط‌های حمایت‌کننده خودمختاری، یعنی محیط‌هایی که افراد را ترغیب می‌کنند هدف‌ها را، خودشان تعیین می‌کنند و از روش خودشان برای رسیدن به این هدف استفاده کنند، موجب برآورده شدن این سه نیاز روان‌شناختی اساسی می‌شوند. در مقابل فشار کنترل، از برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی اساسی جلوگیری می‌کند (ریو^۱، ۲۰۰۹). ارضای این نیازها شرایط لازم را برای رشد روان‌شناختی، انسجام‌یافتگی و بهزیستی شخص فراهم می‌کنند و زیربنای گستره وسیعی از رفتارهای ما را تبیین می‌کنند (شلدون، الیوت، کیمو کسر، ۲۰۰۱)؛ اما در صورت ممانعت و عدم برآورده شدن این نیازها، فرد ادراکی شکننده، منفی و بیگانه و انتقادی از خود پرورش خواهد داد (چن و جانگ^۲، ۲۰۱۰).

در تبیین یافته فوق می‌توان بیان کرد، نیاز به تعلق وقتی برآورده می‌شود که فرد احساس کند بدون قید و شرط، دوست‌داشتنی است. فرد دارای اضطراب اجتماعی در فضایی بزرگ شده است که پذیرشش وابسته به عملکردش بوده، پس مدام نگران عملکردش است و گمان می‌کند ارزشش وابسته به کاری است که انجام می‌دهد و خودش به‌خودی‌خود دوست‌داشتنی نیست، لذا هنگام ارتباط با دیگران به دلیل ترس از ارزیابی، مضطرب می‌شود. به همین دلیل نیاز به تعلق بعد از نیاز به شایستگی توان پیش‌بینی بالایی دارد. وقتی نیاز به شایستگی تأمین نشود، فرد احساس خودکارآمدی نمی‌کند و تائید دیگران برایش مهم است. در نتیجه فرد احساس عدم قابلیت و شایستگی کرده و دیگران نیز تائیدش نمی‌کنند. در واقع فرد نه بازخورد درونی دارد نه بازخورد بیرونی؛ به خاطر همین از حضور در برابر دیگران ترس دارد. مطابق با نظریه خودتعیین‌گری، اگر هنگام انجام دادن فعالیتی، نیازهای روان‌شناختی فعال باشند و پرورش یابند، به‌طور خودانگیخته، احساس خشنودی را در افراد ایجاد می‌کنند (ریو، ۲۰۰۵).

¹ Reev, J. M

² Chen & Jang

منابع

- باچر، ج؛ مینکا، س؛ و هولی، ج. (2007). آسیب‌شناسی روانی، (جلد اول)، ترجمه‌ی سیدمحمدی ۱۳۷۸/تهران: نشر ارسباران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سالان. طرح پژوهشی. دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی، رنجبر کلاگری، الهه (۱۳۹۲). مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: روایی، پایایی، تحلیل عاملی. اندازه‌گیری تربیتی (۴)، ۱۴۴، ۱۶۸-۱۴۸.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دل‌بستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی، پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- حسنوند عموزاده، مهدی، شعیری، محمدرضا، باقری، اکرم (۱۳۸۹). بررسی روایی و پایایی سیاهه فویبای اجتماعی در نمونه غیر بالینی ایرانی، خلاصه مقالات پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- حسینی، جعفر (۱۳۸۹). خصوصیات روان‌سنجی پرسش‌نامه نظم‌جویی شناختی هیجان. روان‌شناسی بالینی، (۷)، ۳، ۷۳-۸۳.
- حسینی، جعفر، شیخان، ریحان، آریانا کیا، المیرا، محمد زاده، اکرم (۱۳۹۲). اضطراب اجتماعی نوجوانان: نقش سبک‌های دل‌بستگی و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان، روان‌شناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، سال نهم، شماره ۳۶، ۳۶۳-۳۷۵.
- حسینیان، سیمین؛ زهرایی، شقایق؛ و خدابخشی کولایی، آناهیتا (۱۳۸۹). مقایسه و ارتباط عملکرد خانواده و سلامت روانی و نوجوانان فراری از خانه با نوجوانان عادی. مجله. دانشگاه علوم پزشکی اراک، ره‌آورد دانش، ۱۳(۴)، ۹۴-۸۳.
- دادستان، پریخ، صالح صدق‌پور، بهرام، اناری، آسیه (۱۳۸۶). اختلال اضطراب اجتماعی و نمایش درمانگری، روان‌شناسان ایرانی، ۱۴، دوره ۴، ۱۲۳-۱۱۵.
- ریو، جان. مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، ۱۳۸۶. تهران: انتشارات ویرایش.
- سادوک، بنیامین جیمز، سادوک ویرجینا و کاپلان، هارولد، (۲۰۰۷). خلاصه روان‌پزشکی علوم رفتاری و روان‌شناسی بالینی، ترجمه رضاعی (۱۳۸۸). فرزاد. تهران: ارجمند.
- فتحی آشتیانی، علی و همکاران (۱۳۸۸). آزمون‌های روان‌شناختی (ارزشیابی شخصیت و سلامت روان)، تهران: انتشارات بعثت.
- هالچین، ویتبورن (۱۹۹۸). روان‌شناسی نابهنجار، ترجمه سید محمدی، یحیی. تهران: روان.

Baumeister, R. F., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological bulletin*, 117(3), 497.

Beidel, D. C., & Turner, S. M. (2007). *Shy children, phobic adults: Nature and treatment of social anxiety disorder* (pp. 11-46). Washington, DC: American Psychological Association

Blanchard, C. M., Amiot, C. E., Perreault, S., Vallerand, R. J., & Provencher, P. (2009). Cohesiveness, coach's interpersonal style and psychological needs: Their effects on self-determination and athletes' subjective well-being. *Psychology of Sport and Exercise*, 10(5), 545-551.

Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss: II. Separation. Anxiety and anger*. London: Hogarth.

Cash, T. F., Thériault, J., & Annis, N. M. (2004). Body image in an interpersonal context: Adult attachment, fear of intimacy and social anxiety. *Journal of social and clinical psychology*, 23(1), 89-103.

Cassidy, J., & Kobak, R. R. (1988). Avoidance and its relationship with other defensive processes. In J. Belsky & T. Nezworski (Eds.), *Clinical implications of attachment* (pp. 300-323). Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Chen, K. C., & Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self-determination theory. *Computers in Human Behavior*, 26, 741-752.

Conoor KM, Davidson JRT, Churchill LE, Sherwood A, Weisler RH, Foa E. (2000). psychometric properties of the social phobia inventory (SPIN). *BJPsych*; 176(4): 379-386.

Davis, D., Shaver, P. R., & Vernon, M. L. (2003). Physical, emotional, and behavioral reactions to breaking up: The roles of gender, age, emotional involvement, and attachment style. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 871-884.

deCharms, R. (1968). *Personal causation*. New York: Academic Press.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). The general causality orientations scale: Self-determination in personality. *Journal of Research in Personality*, 19, 109-134.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological inquiry*, 11(4), 227-268.

Deci, E. L., Ryan, R. M., & Gagne, M., Leone, D. R., Usunov, J., & Kornazheva, B. P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A cross-cultural study of self-determination. *Personality and Psychology Bulletin*, 27, 930-942.

Eng, W., Heimberg, R. G., Hart, T. A., Schneier, F.R., & Liebowitz, M. R. (2001). Attachment in individuals with social anxiety disorder: The relationship among adult attachment styles, social anxiety, and depression. *Emotion*, 1, 365-380.

Erozkan, A. (2007). Rejection sensitivity and social anxiety level of university students. *Selcuk University Journal of Social Sciences Institute*, 17, 225-241.

Erozkan, A. (2009). The relationship between attachment styles and social anxiety: An investigation with Turkish university students. *Social Behavior and Personality*, 37(6), 835-844.

Fehm, L., Beesdo, k., Jacobi, F., & Fiedler, A. (2008). Social anxiety disorder above and below the diagnostic threshold: prevalence, comorbidity and impairment in the general population. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 43, 257-265.

Ghorbani, N. & Watson, P. J. (2004). Two facets of selfknowledge, big five: and promotion among Iranian managers. *Journal of social behavior and personality: An International Journal*, 32, 769-776(8).

Goodall, K., Trejnowska, A., & Darling, S. (2012). The relationship between dispositional mind-fulness, attachment security and emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, 52, 622-626.

Guardia, G. J. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). Withinperson variation in security of attachment: A self theory perspective on attachment, Need Fulfillment and wellbeing. *Journal of personality and social psychology*, 79, 367-384.

Harlow, H.F. (1958). The nature of love. *American Psychologist*, 13, 673-685.

Harter, S. (1978). Effectance motivation reconsidered: Toward a developmental mode I. *Human Development*, 21, 34-64.

Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52: 511-524.

Hofmann, S. G., & Loh, R. (2006). The tridimensional personality questionnaire: Changes during psychological treatment of social phobia. *Journal of Psychiatric Research*, 40, 214-220.

Inderbitzen-Nolan, H. M., & Walters, K. S. (2000). Social anxiety scale for adolescents: Normative data and further evidence of construct validity. *Journal of Clinical Child Psychology*, 29, 360-371.

Inderbitzen-Nolan, H. M., Walters, K. S., & Bukowski, A. L. (1997). The role of social anxiety in adolescent peer relations: differences among sociometric status groups and rejected subgroups. *Journal of Clinical Child Psychology*, 26, 338-348.

Johnson, H. D., Lavole, J. C., & Mahoney, M. (2001). Interparental conflict and family cohesion: Predictor of loneliness, social anxiety and social avoidance in the adolescence. *Journal of explanation as risk factor for depression: theory and evidence. Psychological Review*, 91, 347-374.

Kashdan, T. B., Elhai, J. D., & Breen, W. E. (2008). Social anxiety and disinhibition: An analysis of curiosity and social rank appraisals, approach-avoidance conflicts, and disruptive risk-taking behavior. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 925-939.

LaGuardia, J. G, Ryan, R. M., Couchman, E., & Deci .E. L. (2002) Within-Person Variation in Security of Attachment: A Self Determination Theory

Perspective on Attachment, Need Fulfillment and Well-Being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.

Laible, D. (2007). Attachment with parents and peers in late adolescence: Links with emotional competence and social behavior. *Personality and Individual Differences*, 43, 1185-1197.

Last, C. G., Hersen, M., Kazdin, A. E., Orvaschel, H., & Perrin, S. (1991). Anxiety disorders in children and their families. Archives of General Psychiatry within a comprehensive school. *Journal of Support for Learning*, 6 (4), 154-164.

Leary, M. R., Kowalski, R. M., & Campbell, C. D. (1988). Self-presentational concerns and social anxiety: The role of generalized impression expectancies. *Journal of Research in Personality*, 22, 308-321.

Meyer, B., Enstorm, M. K., Harstveit, M., Bowles, D. P. & Beevers, C. G. (2007). Happiness and despair on the catwalk: Need satisfaction, well-being, and personality adjustment among fashion models. *The Journal of Positive Psychology*, 2, 2-17.

Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2003). The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In M. P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol. 35, pp. 53-152). San Diego, CA: Academic Press.

Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2004). Security-based self-representations in adulthood. *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications*, 159-195.

Mitchell, S., & Dumas, D. M. (2004). The relationship between adult attachment style and depression, anxiety, and self-esteem. Poster presented at the annual meeting of the Rocky Mountain Psychological Association, Reno.

Murray, L., Cooper, P., Creswell, C., Schofield, E., & Sack, C. (2007). The effects of maternal social phobia on mother-infant interactions and infant social responsiveness. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 48 (1), 45-52.

Neal, J., & Edelmann, R. (2003). The etiology of social phobia: Toward a development profile. *Clinical Psychology Review*, 23, 731-767.

Niemiec, C. P., Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2009). The path taken: Consequences of attaining intrinsic and extrinsic aspirations in post-college life. *Journal of Research in Personality*, 43, 291-306.

Noom, M. J., Decovic, M., Meeus, H. J. (2002) Autonomy, attachment and psychological adjustment during adolescence: a double-edged sword, *Canadian Psychology*, 50, 219-229.

Papini, D. R., Roggman, L. A., & Anderson, J. (1991). Early adolescent perceptions of attachment to mother and father: A test of emotional-distancing and buffering hypotheses. *Journal of Early Adolescence*, 11, 258-275.

Parade, S. H., Leerkes, E. M., & Blankson, A. N. (2010). Attachment to parents, social anxiety, and close relationships of female students over the transition to college. *Journal of Youth Adolescence*, 39, 127-137.

Pine, D. S., Cohen, P., Gurley, D., Brook, J. S., & Ma, Y. (1998). The risk for early adulthood anxiety and depressive disorders in adolescents with anxiety and depressive disorders. *Journal of General Psychiatry*, 55, 56-64.

Reev, J. M. (2009). *Understanding Motivation and Emotion* (5ed). New York: Wiley.

Reich, J., Hofmann, S. G. (2008). State personality disorder in social phobia. *Journal Behavior Therapy Experimental Psychiatry*, 16, 139-144.

Reis, H., Sheldon, K., Gable, S., Roscoe, J. & Ryan, R. (2000). Daily well-being: The role of autonomy, competence, and relatedness. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 419-435.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary educational psychology*, 25(1), 54-67.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2002). Overview of self-determination theory: An organismic dialectical perspective. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self determination research* (pp. 3-33). Rochester, NY: University of Rochester Press.

Shaver, P. R., & Hazan, C. (1993). Adult romantic attachment: Theory and evidence. In D. Perlman & W Jones (eds.), *Advances in personal relationships* (Vol. 4, pp. 29-70). London: Jessica Kingsley.

Sheldon KM, Elliot AJ, Kim Y, Kasser, T. (2001). What is satisfying about satisfying events? Testing 10 candidate psychological needs. *J Personality and Soc Psychol.* 80(2): 325-339.

Sheldon, K. M., & Niemiec, C. P. (2006). It's not just the amount that counts: Balanced need satisfaction also affects well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 331- 341.

Strahan, E. (2003). The effects of social anxiety and social skills on academic performance. *Personality and Individual Differences*, 34, 347-366.

Tehrani, H., Shojayizade, D., Hoseiny, S. M., & Sh, A. (2012). Relationship between Mental Health, personality Trait and Life Events in Nurses Working in Tehran Emergency Medical Service (Tehran 115). *Iran Journal of Nursing*, 25(75), 52-59.

Vlachopoulos, S. P., Asci, F. H., Cid, L., Ersoz, G., González-Cutre, D., Moreno-Murcia, J. A., & Moutão, J. (2013). Cross-cultural invariance of the basic psychological needs in exercise scale and need satisfaction latent mean differences among Greek, Spanish, Portuguese and Turkish samples. *Psychology of Sport and Exercise*, 14(5), 622-631.

Wei, M., Philip, A.S., Shaffer, A., Young, S.K. & Zakalik, R.A. (2005). Adult attachment, shame, depression, and loneliness: The mediation role of basic psychological needs satisfaction. *Journal of Counseling Psychology*, 52, 591-601.

White, R. W. (1959). Motivation reconsidered: The concept of competence. *Psychological Review*, 66, 297-333.

Wittchen, H.U., Fuetsch, M., Sonntag, H., Müller, N., & Liebowitz, M. (2003). Disability and quality of life in pure and comorbid social phobia: Findings from a controlled study. *Behavior Research Therapy*, 15(3), 46-58.

